

۲۰۲۴ جولای



فشرده مشورت ها با زنان افغان در کشور

تصویر: اداره ملل متحد برای زنان / سید حبیب بیدل

این گزارش نگرانی های زنان افغانستان را در حالی بازتاب میدهد که زنان در فضای که محدودیت ها بر حقوق شان بیشتر از پیش وضع گردیده، به زندگی خود ادامه میدهند. پس از آنکه طالبان (اداره دیفکتو) در ماه اگست ۲۰۲۱ به گونه نظامی به قدرت رسیدند، سلسله از فرامین، دستورالعمل ها و اقدامات را صادر و عملی نمودند، که هدف آن حذف سیستماتیک زنان از زندگی عامه و پروسه های تصمیم گیری در افغانستان بوده و تقریباً تمام سکتور ها را احتوا می نماید. همچنان، این احکام و دساتیر پی در پی، ممنوعیت تعلیمات متوسطه و تحصیلات عالی دختران و زنان جوان را در افغانستان، نیز دربر می گیرد.

حذف تقریباً سیستماتیک زنان و دختران از ابعاد جامعه، که با بحران های اقتصادی و بشردوستانه مترافق می باشد، زندگی اکثریت افغان ها را به گونه قابل ملاحظه با دشواری روبرو ساخته و نگرش جامعه را نسبت به سنت های جنسیت و بحران صحت روانی در میان خانواده های افغان در سرتاسر کشور تغییر می دهد. به تاریخ ۲۲ اگست ۲۰۲۴، مقامات اداره دیفکتو یک فرمان جدید «قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر» ۳۵ ماده ای را که حاوی محدودیت های قابل ملاحظه در برابر افغان ها، طور خاص زنان و دختران بود، صادر نمودند که میکانیزم های تطبیق احتمالی خودسرانه و شدید منجمله ممنوعیت ظاهر شدن چهره و شنیدن صدای زنان در محضر عام^۱ نیز در آن تسجیل شده است. مطالعه و گزارش هدا، وضعیت قبل از صدور فرمان مذکور را به بررسی گرفته و حد اقل از دیدگاه هنجاری داخلی، حاکی از آن است که از آن زمان تاکنون وضعیت زنان و مردان افغان در سرتاسر کشور وخامت بیشتر کسب نموده است.

از اگست ۲۰۲۲ بدینسو، دفتر امور زنان و برابری جنسیتی سازمان ملل متحد (UN Women)، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) با مساعی مشترک مشوره های ربعوار را با شماری زیادی از زنان افغان و اخیراً با مردان افغان نیز انجام داده اند و از پاسخ دهندگان دعوت به عمل آورده اند تا دیدگاه های شان را در مورد مسائلی که زندگی آنان را متاثر می سازد، در میان بگذارند.^۲

۱ قانون متذکره، اعمال کننده محدودیت های وسیع و گسترده بالای رفتار شخصی بوده و به پولیس تطبیق کننده معیارات اخلاقی (امر بالمعروف و نهی عن المنکر) صلاحیت های اجرایی گسترده می دهد. از میان تخطی های عمده تسجیل شده در قانون مذکور می توان از پوشانیدن تمام بدن، صورت و صدای زنان در محضر عام، تعیین مجازات برای عدم ادای نماز جماعت به وقت و زمان معین آن و استفاده از تصاویر موجودات زنده، نام برد: هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA)، "اعلامیه نماینده ویژه سرمنشی سازمان ملل متحد و رئیس هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (Statement from Special Representative of the Secretary-General and Head of UNAMA)، ۲۵ اگست ۲۰۲۴.

۲ دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (UN Women)، هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و سازمان بین المللی مهاجرت (IOM)، قبل از برگزاری نشست های شورای امنیت، در هر ربع سال، با زنان افغان در داخل کشور مشوره می نمایند. گزارشات مشوره های قبلی: [اپریل ۲۰۲۴ \(April 2024\)](#)، [فبروری ۲۰۲۴ \(February 2024\)](#)، [دسامبر ۲۰۲۳ \(December 2023\)](#)، [سپتامبر ۲۰۲۳ \(September 2023\)](#)، [جون ۲۰۲۳ \(June 2023\)](#)، [مارچ ۲۰۲۳ \(March 2023\)](#) و [اگست ۲۰۲۲ \(August 2022\)](#). در لینک ذیل (<https://asiapacific.unwomen.org/en/digital-library/publications/2023/06/situation-of-afghan-women>) قابل دسترس می باشند.

مشوره های مذکور، بازتاب دهنده اولویت ها و خواسته های زنان از مقامات اداره دیفکتو و جامعه بین المللی بوده و در عین زمان می تواند در راستای تکمیل نمودن معیارات بین المللی مورد نیاز برای حصول اطمینان از مشارکت کامل، برابر و معنادار زنان افغان در تمام گفتمان های مرتبط به آینده جامعه و دولت آنها ممد واقع شود. به همین ترتیب، مشوره های ربعوار ارائه کننده دیدگاه های مهم برای پالیسی سازان ملی و بین المللی بوده و تجارب زندگی و دیدگاه های زنان در سرتاسر افغانستان را منعکس می سازد.

میتودولوژی

دور اخیر مشوره های ربعوار از تاریخ ۱۷ الی ۲۹ جولای ۲۰۲۴ با دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (UN Women)، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) برگزار گردیده است، که متشکل از مشوره های گروهی آنلاین و حضوری و سروی های انفرادی از راه دور می باشد. از طریق این مساعی مشترک، در مجموع به ۷۷۶ تن زنان که از ۳۴ ولایت افغانستان نمایندگی می نمودند، دسترسی صورت گرفت.

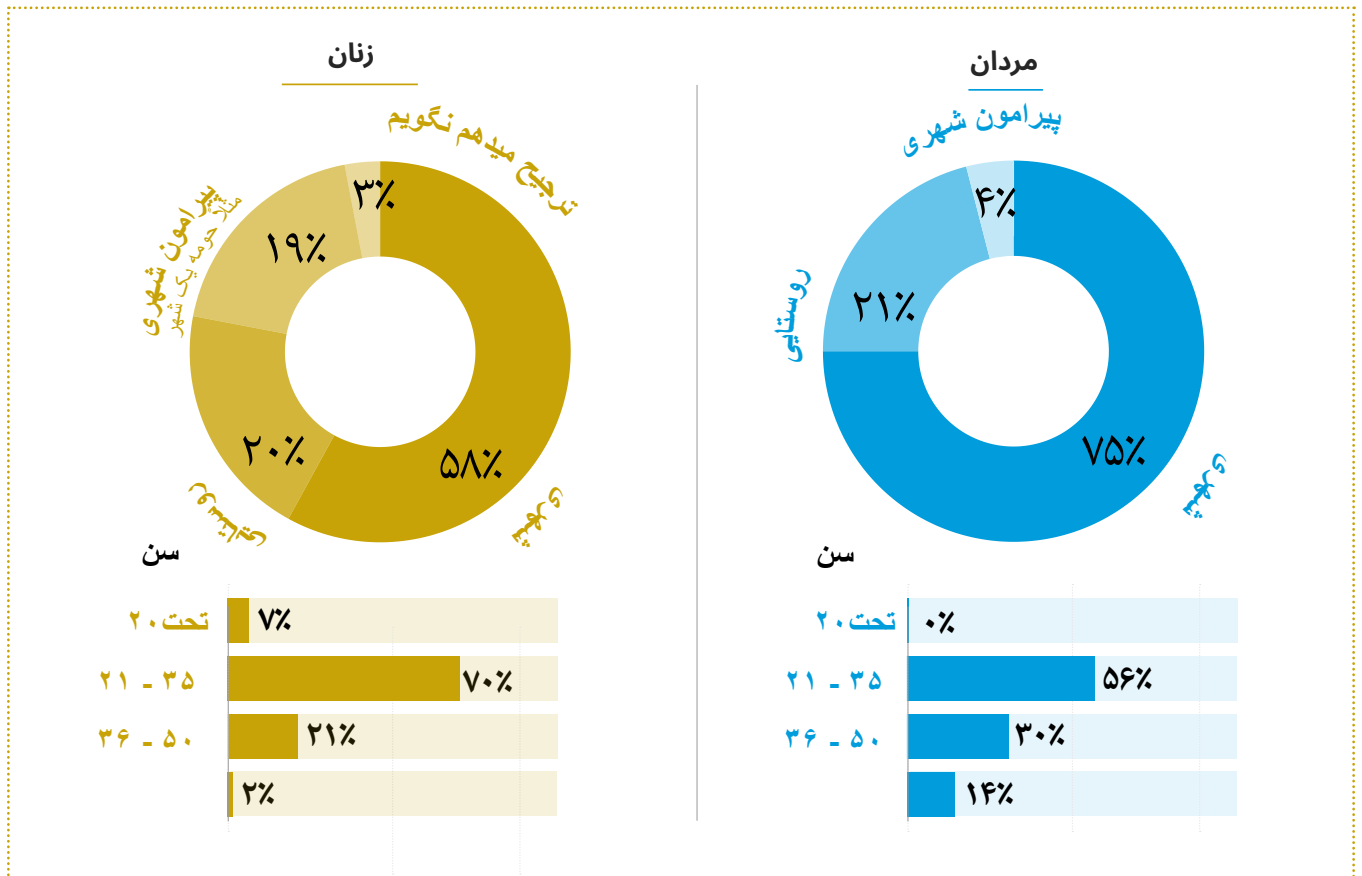
در جریان دور اخیر مشوره ها، سروی های حضوری نیز با در نظر داشت تدابیر مصوونیت، راه اندازی گردید. این کار برای زنان افغان یک فرصت بی سابقه را فراهم نمود تا دور هم جمع شوند، چالش های خویش را با سایر زنان در میان بگذارند، تجارب شان را مستند سازی نمایند و آنها را در اختیار مقامات اداره دیفکتو و آن دست اندرکاران بین المللی قرار دهند که تصمیم گیری های شان روی زندگی آنان اثر گذاشته و یا در آینده متاثر خواهند ساخت.

با استفاده از این روش، زنان اشتراک کننده در نشست های مشورتی ربعوار دوره قبلی (که در ماه اپریل الی جون برگزار شده بود) در این دور مشوره ها سهم گرفتند و جزئیات لازم را در مورد تجارب و دیدگاه های شان پیرامون نقش و مشارکت کشور شان در جامعه بین المللی در میان گذاشتند و توصیه های لازم را پیرامون بهبود تحقق حقوق زنان و وضعیت زنان در افغانستان، ارائه نمودند. این دور مشوره ها نیز مانند مشوره های قبلی به موضوعات روزمره و جدید پرداخته است.^۳

این پروسه زمینه دسترسی به تعداد بیشماری از زنان افغان در مناطق مختلف را فراهم نمود، که فیصدی آن قرار ذیل می باشد: زنان مناطق شهری (۵۸ درصد پاسخ دهندگان)، زنان مناطق روستایی (۲۰ درصد) و زنان مناطق نیمه شهری (۱۹ درصد)، زنانی که مسئولیت سرپرستی خانواده را بر عهده دارند (۳۵ درصد)، زنان بیجا شده داخلی (۱۹ درصد)، زنان عودت کننده (۵ درصد) زنان دارای اشتغال (۵۰ درصد)، زنان بیکار (۴۹ درصد) و زنان دارای معلولیت (۶ درصد). شایان تذکر است که یک سوم زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، حداقل در یک دور مشوره های قبلی نیز اشتراک ورزیده اند.

همچنان، با ۵۷ تن مردان در ۱۱ ولایت افغانستان نیز مشوره صورت گرفته است، تا از یک سو در مورد نابرابری های جنسیتی تحلیل همه جانبه صورت گیرد و از سوی دیگر دیدگاه ها، اولویت ها و توصیه های مردان افغان در پیوند با حقوق زنان به تصویر کشیده شود. از لحاظ شاخص های هویتی مشوره های که با مردان صورت گرفته است با مشوره های که با زنان صورت گرفته است شباهت دارد، طوری که به تعداد قابل ملاحظه مردان افغان در مناطق مختلف دسترسی صورت گرفته است، که فیصدی آن قرار ذیل می باشد: مردان مناطق شهری (۷۵ درصد پاسخ دهندگان)، مردان مناطق روستایی (۲۱ درصد) مردان مناطق نیمه شهری (۴ درصد)، مردان بیجا شده داخلی (۱۶ درصد)، مردان عودت کننده (۵ درصد)، مردان دارای اشتغال (۵۶ درصد)، مردان بیکار (۳۹ درصد) و مردان دارای معلولیت (۷ درصد).

^۳ مشوره های مذکور در هر ربع سال، با در نظر داشت موضوعات روزمره مرتبط به صحت روانی و سطح نفوذ در خانواده و جامعه برگزار می شوند، تا چگونگی شاخص های مربوطه را به تصویر بکشند. در هر دوره مشوره، موضوعات جدید نیز گنجانیده شده است، تا تحولات و موضوعات مربوطه را مورد بررسی قرار دهند.



یافته های کلیدی

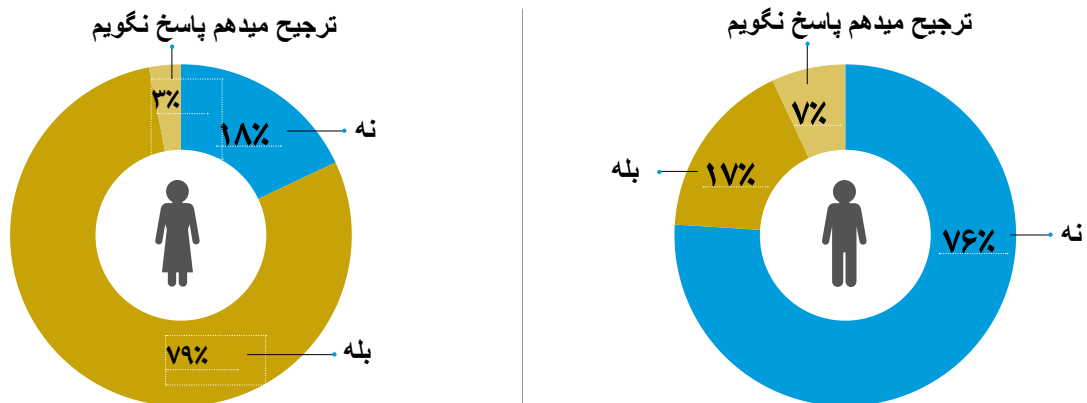
- یافته های نشست های مشورتی حاکی از آن است که در جریان ۱۲ ماه گذشته حدود ۷۹ درصد زنان پاسخ دهنده از دسترسی به اماکن عامه مانند پارک ها و مراکز صحت محروم بوده اند. زنان اظهار نمودند که از ورود شان به پارک ها، ساحات تفریحی و اماکن تاریخی، حتی در صورت داشتن محرم (اقارب نزدیک ذکور) منع می شوند، و به صراحت به آنان گفته می شود که این اماکن صرف برای مردان اختصاص داده شده اند. از جانب دیگر، صرف ۱۷ درصد مردانی پاسخ دهنده، از اینگونه ممنوعیت خبر داده اند.
- تعداد کثیری (۶۹ درصد) از زنانی پاسخ دهنده، خاطر نشان نمودند که وقتی از خانه بیرون می شوند احساس مصونیت نمی کنند، که تعداد به باور آنان باعث تجرید اجتماعی و مشکلات گسترده صحت روانی مانند افزایش میزان افسردگی و اضطراب در میان آنها شده است. این در حالیست که تنها ۱۹ درصد از مردانی پاسخ دهنده، خاطر نشان نمودند که وقتی از خانه بیرون می شوند "اصلاً" احساس مصونیت نمی کنند، که با وجود کاهش میزان خشونت های (مسلحانه) در افغانستان، به احساس عدم مصونیت گسترده دلالت می نماید.
- زنان پاسخ دهنده میگویند که در نگرش جامعه نسبت به آموزش دختران، هم در مورد تعلیمات ابتدایی (به گفته ۴۷ درصد زنان پاسخ دهنده) و هم در مورد تعلیمات متوسطه (به گفته ۶۵ درصد زنان پاسخ دهنده) تغییر قابل ملاحظه رونما گردیده است. با وجود آن، شماری از خانواده ها به آموزش دختران شان به صورت مخفی ادامه داده، در حالیکه عدّه دیگر آنها با در نظر داشت شرایط کنونی بالای آموزش مهارت های فنی - حرفوی یا تعلیمات دینی به عنوان بدیل، تمرکز دارند.
- حدود ۵۷ درصد زنانی که با آنها مشوره صورت گرفت، گزارش داده اند که در ربع گذشته در شرایط مالی آنها کاهش قابل ملاحظه رونما گردیده است، البته در مقایسه با ۳۴ درصد مردان. زنان پاسخ دهنده، از تعصبات جندر/جنیستی در روند استخدام یاد کرده اند. این در حالیست که زنان و هم مردان خاطر نشان نموده که همچو تعصبات به سود آنده افرادی می باشد که به نحوی با مقامات اداره دیفکتو ارتباط دارند.
- همچنان، زنان در روند دسترسی به خدمات رسمی و غیررسمی حقوقی کاهش قابل ملاحظه را تجربه نموده اند. حدود ۷۹ درصد زنان خاطر نشان نمودند که در جریان یک سال قبل از هیچگونه نهاد رسمی حل منازعات استفاده نکرده اند، در حالیکه ۲۵ درصد زنان میگویند که آنها خواهان استفاده از همچو نهاد ها بوده، اما بنابر عدم دسترسی به آن نتوانسته اند این کار را انجام دهند. پاسخ دهندگان همچنان میگویند که آنها اجازه ندارند تا بدون محرم به محاکم یا دفاتر دولتی که به امور حقوقی رسیدگی می کنند، مراجعه نمایند، و دوسیه های آنان به دلیل تبعیض جنسیتی یا بسته شده اند و یا هم نادیده گرفته شده اند.

”در ایام عید می خواستیم با خانواده خود به پارک برویم. طالبان به ما گفتند که زنان اجازه ندارند وارد پارک شوند، بنه ما به خانه برگشتیم. تمام زنان آزرده به نظر می رسند. ما طوری احساس می کنیم که گویا اتباع این کشور محسوب نمی شویم“

از اگست ۲۰۲۱ بدینسو، در افغانستان اماکن عامه مانند پارک ها، ساحات طبیعی و سایر تسهیلات تفریحی به گونه وسیع برای زنان غیرقابل دسترس میباشند^۴. اکثریت (۷۹ درصد) زنانی که با آنها مشوره صورت گرفت، گزارش داده اند که طی ۱۲ ماه گذشته از دسترسی به اماکن عامه، منجمله مراکز اجتماعی، مساجد، مراکز صحتی و پارک ها محروم بوده اند (البته در مقایسه با ۱۷ درصد مردانی که عین موضوع را گزارش داده اند)^۵.

شماری زیادی از زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته، گفته اند که آنها اجازه ندارد حتی در صورت داشتن محرم نیز به پارک ها یا محلات تفریحی داخل شوند. زنان پاسخ دهنده به صراحت اظهار داشته اند که همچو اماکن صرف برای مردان اختصاص داده شده اند. زنان میگویند که از دسترسی به اماکن فرهنگی و تاریخی مانند روضه مبارک حضرت علی (رض) و سایر اماکن عمده منع شده اند^۶. مردانی که در این مشوره شرکت ورزیده، نیز تایید نموده اند که اعضای زن خانواده های شان اجازه رفتن به اماکن عامه و فرهنگی را ندارند. آنها، همچنان، تاکید می نمایند که حضور گسترده افراد مسلح مربوط اداره دیفتو در یک عده ولایات مشخص، مانند پنجشیر، نیز باعث محدودیت دسترسی به پارک ها و ساحات طبیعی شده است. شماری از زنان اظهار داشته اند که گشت و گذار تفریحی هنوز هم امکان پذیر است، هرچند به ساحات طبیعی خارج از شهر یا بازدید از اقارب محدود شده است، اما اینگونه گشت و گذار زیاد عمومیت نداشته و می تواند خطر آزار و اذیت یا عملکردهای بدتر از آن توسط مقامات اداره دیفتو را در پی داشته باشد^۷.

در سال گذشته، آیا از دسترسی شما به فضاهای عمومی مانند مراکز اجتماعی، مسجد، مراکز صحت، پارک (مثلاً شما سعی کردید وارد شوید، اما به شما گفته شد که اجازه ورود ندارید) ممانعت شده است؟



۴ در میان مجموعه دستورالعمل ها و اقدامات تطبیق شده به سطح محلی، که عمدتاً مانع دسترسی زنان به اماکن عامه مختلف می شوند، یکی هم منع کردن زنان از استفاده از حمام های عامه و بازدید از پارک ها که در سال ۲۰۲۲ اعمال شده است، می باشد. خبر های ان بی سی، سال ۲۰۲۲. "طالبان زنان را از استفاده از پارک ها و سالون های ورزشی در افغانستان منع نمودند" (Taliban ban women from parks and gyms in Afghanistan). ۱۰ نوامبر ۲۰۲۲، روزنامه گاردین، سال ۲۰۲۲. "طالبان زنان افغان را از استفاده از حمام های عامه در ولایات شمالی کشور منع نمودند" (Taliban stop Afghan women from using bathhouses in northern provinces). ۷ جنوری ۲۰۲۲.

۵ یک تعداد اشتراک کنندگان تذکر داده اند که آنها بنابر نبود اماکن عامه مانند پارک ها یا مراکز تفریحی در ساحات مربوطه شان و یا به دلیل اینکه نخواسته اند از خانه بیرون بروند، با محدودیت های مشخص روبرو نشده اند.

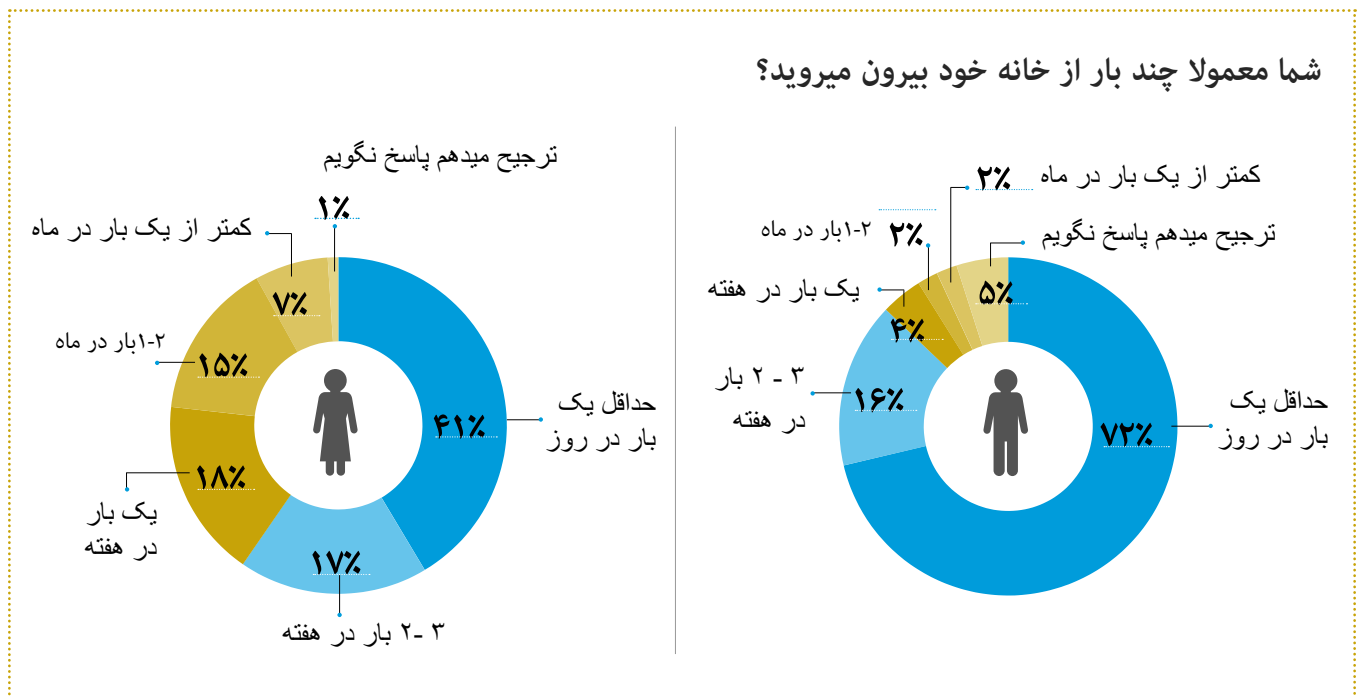
۶ روضه مبارک حضرت علی (رض) در شهر مزارشریف ولایت بلخ موقعیت دارد.

۷ شاهپور، ر. سال ۲۰۲۴. "روزنامه هسل: اگر شما دختر هستید، باید همراه با خانواده تان به میله بروید." (The Daily Hustle: Going on a picnic with your family, if you're a girl). شبکه تحلیگران افغان، ۲۳ جولای ۲۰۲۴.

عدم موجودیت محلات تفریحی مشخص برای زنان در افغانستان، سبب شده تا زنان از دسترسی به فعالیت های تفریحی محروم بمانند. مسدود شدن مراکز آموزشی و فرصت های شغلی محدود تعداد کثیری زنان را به حبس خانگی محکوم نموده، که عمدتاً توأم با فرصت ها (یا دلایل) ناچیز بیرون رفتن از منزل می باشد. در نتیجه باید گفت که اکثریت (۵۷ درصد) زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، گزارش داده اند که روزانه کمتر از یک مرتبه از خانه بیرون می روند (در مقایسه با ۲۳ درصد مردان) و تقریباً ۲۲ درصد زنان پاسخ دهنده کمتر از یک مرتبه در هفته از خانه بیرون می روند. (در مقایسه با ۴ درصد مردان پاسخ دهنده). ممنوعیت دسترسی به اماکن عامه، صحت روانی و عاطفی زنان افغان را شدیداً متاثر نموده، احساس تجرید را نزد آنان متبازتر ساخته و طرز رفتار با آنها را به حیث شهروندان درجه دوم تقویت بخشیده است. قابل یادآوریست که فرمان اخیر ۲۲ اگست^۸ به نوبه خود زمینه را برای تجرید و سرکوب فراتر زنان مساعد می سازد.

بسیاری از زنان پاسخ دهنده، میگویند که مشکلات روانی نه تنها به طور فردی بر آنها تأثیر گذاشته، بلکه باعث تنش و خشونت در خانه هایشان نیز شده است.^۹ پاسخ دهندگان از افزایش پرخاشگری، افسردگی و اضطراب خبر داده اند که به طور منفی بر روابط آنها با سایر اعضای خانواده، به ویژه کودکان، تأثیر گذاشته است. مردانی پاسخ دهنده نیز از مشکلات جدی سلامت روانی رنج می برند و در چندین مورد اشاره کرده اند که از رفتن به بیرون از خانه احساس ناامنی می کنند.^{۱۰} برخی از مردان، بدون اینکه ترغیب به ارائه چنین اطلاعاتی شوند، اظهار داشته اند که مشکلات روانی به خشونت های خانگی، حتی در خانه های خودشان، منجر شده است. فشارهای ترکیبی ماندن در خانه و انزوای اجتماعی چالش های شدیدی را برای سلامت روانی و رفاه خانواده های افغان ایجاد کرده است. پیامد های ناگوار صحت روانی ناشی از تجرید و حبس اجتماعی در سال های اخیر، علی الخصوص در دوره همه گیری کوید - ۱۹، به خوبی مستند سازی شده است. اینگونه فشار های باهم مرتبط، عمدتاً خانواده های افغان را با چالش های شدید صحت روانی و سلامتی روبرو می سازد.

در حالیکه تعدادی از زنان به دلیل ترس از رویارویی با افراد اداره دیفتکو یا فشار اجتماعی از رفتن به امکان عامه خودداری می نمایند، شماری دیگری آنها با برخورد مستقیم افراد اداره دیفتکو روبرو شده، که عمدتاً باعث تحقیر و عدم مصونیت و به مخاطره افتیدن کرامت انسانی آنها شده است. در حقیقت، تقریباً ۶۹ درصد زنانی پاسخ دهنده، گفته اند که زمانیکه از خانه بیرون می شوند "اصلاً" احساس مصونیت نمی کنند، طوریکه این رقم نزد زنانیکه با محرم از خانه بیرون می شوند به ۱۳ درصد کاهش می یابد. از جانب دیگر، صرف ۱۹ درصد از مردانی پاسخ دهنده، اظهار داشته اند که هنگام بیرون شدن از خانه "اصلاً" احساس مصونیت نمی کنند. همچو فضاییکه طوری گسترده با ترس و هراس آمیخته است، شماری زیادی از زنان افغان را به حبس خانگی و داشتن دسترسی به کمترین فرصت های تفریحی و داشتن روابط اجتماعی در جامعه، محکوم نموده است.



۸ به پاورقی ۱ مراجعه کنید.

۹ ۸۱ درصد از زنانی که با آنها مشورت صورت گرفته است، سلامت روان خود را «بد» (۳۳ درصد) یا «بسیار بد» (۴۷ درصد) ارزیابی کردند. این یک تصویر ماندگار و تاریک از دوره های قبلی میسازد. در اپریل ۲۰۲۴، اکثر زنان گزارش دادند که سلامت روان آنها (احساس اضطراب، انزوا، افسردگی) «بسیار بد» (۴۰ درصد) یا «بد» (۲۸ درصد) است.

۱۰ ۸۴ درصد از مردان گفتند که سلامت روانشان «بد» (۴۲ درصد) یا «بسیار بد» (۴۲ درصد) است. در اپریل ۲۰۲۴، مردانی که از آنها مشوره گرفتند، سلامت روانی خود را ارزیابی کردند «بسیار بد» (۲۳ درصد) یا «بد» (۲۷ درصد) باشد.



”با گذشت زمان، این نکته را درک کردم که افرادی که یک زمانی از آموزش دختران حمایت می کردند، یا به دلیل ترس سکوت اختیار نموده اند و یا هم به نحوی چنین سرکوب را پذیرفته اند“

زنانی پاسخ دهنده اظهار داشتند که یک تغییر هنجاری در نگرش جامعه نسبت به حقوق زنان را احساس میکنند، و این تغییر عمدتاً ناشی از هراس از برخورد انتقام گیرانه اداره دیفکتو و گسترش سنت های مردسالارانه در سرتاسر کشور می باشد. تقریباً نصف (۴۷ درصد) زنانی پاسخ دهنده، اظهار داشتند که میزان حمایت جامعه از تعلیمات ابتدایی دختران به گونه قابل ملاحظه کاهش یافته که متأسفانه این رقم در مورد تعلیمات متوسطه دختران به ۶۵ درصد می رسد.^{۱۱} این یافته می تواند بازتاب دهنده گرایش نورم های اجتماعی به سوی سنت های محافظه کارانه مردسالارانه باشد^{۱۲}، که قسماً بعنوان پیامد پیکاری موسوم به ”اصلاح افکار جوانان“ است که از طرف اداره دیفکتو به راه انداخته شده است.^{۱۳}

در حقیقت، اینگونه تغییر در نگرش اجتماعی نگرانی های را در میان زنانی پاسخ دهنده به میان آورده قسمی که شماری از آنان اذهان میدارند که در جامعه یکعده افراد به این بارو اند که همچو محدودیت برای زندگی خانوادگی مفید بوده و انعکاس دهنده مکلفیت ها و موقف زنان در جامعه می باشد. همچنان، این افراد تعلیمات متوسط دختران را غیرضروری و حتی شرم آور می دانند. اگرچه این تصور به هیچ عنوان انعکاس دهنده دیدگاه های تمام افغان ها بوده نمی تواند ولی قرار ارزیابی شماری از پاسخ دهنده گان، خانواده ها و جوامعی که قبلاً از آموزش دختران حمایت می نمودند، اکنون به دلیل محدودیت های اداره دیفکتو بر آموزش دختران بالاتر از سطح ابتدایی، با گذشت هر روز امید شانرا از دست میدهند. به باور زنان و مردانی پاسخ دهنده، در نبود دسترسی به تعلیمات ثانوی و بلندتر آن، خانواده ها به تعلیمات ابتدایی نیز ارزش چندانی قابل نبوده که به ترتیب، منجر به کاهش انگیزه میان شاگردان اناث و افزایش ازدواج های زود هنگام می شود.

همچو شرایط والدین را واداشته تا از میان مکانیزم های محدود مجادله، یکی را انتخاب نمایند تا از پیامد های ناگوار پالیسی های اداره دیفکتو بالای زندگی فرزندان شان جلوگیری کرده باشند. یک تعداد زنان پاسخ دهنده از طریق کسب مهارت های حرفوی مانند خیاطی، برای دختران شان فرصت های کاری و استقلالیت مالی جستجو می نمایند. شماری دیگری از آنها عمدتاً از طریق فرستادن دختران شان به مدارس دینی به منظور فراگیری مضامین دینی به عنوان فرصت بدیل آموزش در شرایط کنونی، تلاش میکنند^{۱۴}. اکثری زنانی پاسخ دهنده، میگویند که خانواده ها و جوامع آنها باور دارند که روزی دختران و زنان افغان مجدداً به کسب آموزش دسترسی کامل پیدا خواهند کرد.

۱۱ بالمقابل، به نظر می رسد مردانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، در این مورد ابراز خوش بینی نموده اند، طوری که ۲۶ درصد آنها خاطر نشان نموده اند که نگرش جامعه نسبت به زنانی که کار می کنند بهبود کسب نموده است و ۳۹ درصد آنها این احساس را در مورد تعلیمات متوسطه دختران ابراز داشته اند. وقتی این پرسش مطرح شد که ”آیا نگرش جامعه نسبت به آموزش دختران سنین مکتب ابتدایی، بعد از به قدرت رسیدن طالبان تغییر نموده است، یا خیر؟“، ۱۹ درصد مردان گزینه (چهار جوابه) ”اکنون بیشتر پذیرفته می شود“، ۱۸ درصد آنها گزینه ”اکنون کمتر پذیرفته می شود“ و ۵۸ درصد آنها گزینه ”هیچگونه تغییری در آن رونما نگردیده است“، را انتخاب نموده اند. وقتی این پرسش مطرح شد که ”آیا نگرش جامعه نسبت به آموزش دختران سنین مکتب متوسطه، بعد از به قدرت رسیدن طالبان تغییر نموده است، یا خیر؟“، ۳۹ درصد مردان گزینه ”اکنون بیشتر پذیرفته می شود“، ۱۴ درصد آنها گزینه ”اکنون کمتر پذیرفته می شود“ و ۳۹ درصد آنها گزینه ”هیچگونه تغییری در آن رونما نگردیده است“، را انتخاب نموده اند.

۱۲ سروی جمعیت افغانستان، که در سال ۲۰۱۹ توسط بنیاد آسیا راه اندازی شده است، حاکی از میزان بلند حمایت از دسترسی برابر به آموزش بوده است، که در آن ۸۹.۷ درصد افغان ها از دسترسی برابر به تعلیمات ابتدایی حمایت نموده اند، که میزان این حمایت در مقایسه با حمایت از دسترسی برابر به تعلیمات متوسطه که به (۸۶.۸ درصد) می رسد، و تحصیلات عالی، که به (۷۵.۱ درصد) می رسد، اندکی پایینتر بوده است. لطفاً جهت دسترسی به دیدگاه های بیشتر در این رابطه، به گزارش قبلی سلسله از مشوره های مذکور، که عمدتاً به جزئیات چگونگی و پیامد های ناگوار پالیسی های مقامات بالفعل بالای روابط خانوادگی و اثرگذاری آن بالای ذهنیت های پسران و دختران پرداخته است، مراجعه نمایید: دفتر امور زنان و برابری جنسیتی سازمان ملل متحد (UN Women)، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA)، سال ۲۰۲۴. ”فشرده مشوره ها با زنان افغان در سرتاسر کشور“ (Summary of countrywide women's consultations across Afghanistan)، فروری ۲۰۲۴.

۱۳ این مسئله در تلاش های وزارت اطلاعات و فرهنگ مقامات بالفعل بازتاب یافته است، که در اواسط سال ۲۰۲۳ پروژه اعتماد و اقتصاد خود را به معرفی گرفته است، که عمدتاً بالای ایجاد شبکه شورا ها به سطح کشور به منظور ”اصلاح افکار جوانان“ متمرکز می باشد. وان بیثرت ام، سال ۲۰۲۳ ”امارات اسلامی می خواهد چگونه تصور شود: نگاه ژرف به برنامه حسابدگی“ (How the Emirate wants to be perceived: a closer look at the Accountability Programme)، شبکه تحلیلگران افغان. گزارشات اخیر حاکی از آن است که تعامل یکعده ادارات مرتبط به اطلاعات و فرهنگ مقامات بالفعل با جوانان، بالای حفظ ارزش ها و سنت های فرهنگی با در نظر داشت یک چشم انداز نیرومند مذهبی، به شمول تاکید بر رعایت ”حجاب اسلامی“ متمرکز می باشد.

۱۴ آموزش در مدارس دینی، تدریس صنوف قرائت قرانکریم برای پسران و دختران، عمدتاً روزانه برای ۲ الی ۳ ساعت به عنوان متمم، نه به عنوان جاگزین تعلیمات رسمی و آکادمیک صورت می گیرد. مدارس دینی، به صورت عموم توسط رهبران مذهبی محلی مدیریت می شوند، که عمدتاً به خواش خود شان توظیف می شوند، نه با در نظر داشت کدام معیارات مشخص: دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (آینده). شاخص جندر/جنسیت افغانستان.



”بازار کار به هیچ وجه برای زنان مناسب نیست، معاش کارکنان زن کاهش یافته است، شرایط با گذشت هر روز وخیمتر میشود و هیچگونه امیدواری برای تغییر وجود ندارد“

پیامد های ناگوار ناشی از وخامت اوضاع اقتصادی در افغانستان، با از دست دادن اشتغال و کاهش معاشات، به ویژه در میان زنان افغان، به اوج خود رسیده است. هرچند اداره دیفکتو بالای کار زنان در سکتور خصوصی ممنوعیت گسترده وضع نکرده است، اما مجموعه فرامین توأم با تبعیض شرایط را طوری بوجود آورده است که قابلیت اشتغال زنان را شدیداً متاثر می سازد.

اکثری پاسخ دهندگان، با در نظر داشت تجارب شان در دور قبلمشور تر بعوار، خاطر نشان نمودند که فرصت های اشتغال به گونه قابل ملاحظه متاثر گردیده، طوریکه طبق اظهارات ۷۳ درصد زنان و ۵۵ درصد مردان همچو فرصت های درآمدزایی سیر نزولی خود را می پیماید. از میان زنانی پاسخ دهنده، ۵۷ درصد آنها اظهار نمودند که وضعیت شان "به گونه قابل ملاحظه وخیم" شده است. این رقم نزد مردان ۳۴ درصد بوده، که دلالت بر عدم مساوات جنسیتی در بازار کار افغانستان می نماید.

زنان افغان با چالش های قابل توجهی در زمنیه یافتن و حفظ شغل مواجه هستند. در جاهایی که کار زنان به طور کامل ممنوع نیست، معمولاً شغل های که مستلزم مهارت زیاد نبود و کم درآمد اند به زنان (بدون در نظر داشت دانش و تجربه) پیشنهاد میشود.^{۱۵} زنان پاسخ دهنده ازینکه ادارات بیشتر مردان را به جای زنان استخدام میکنند، ابراز ناامیدی میکنند. عملکرد و وضع محدودیت های تبعیض آمیزی اداره دیفکتو، کار استخدام کارکنان زن را از لحاظ اداری و مالی دشوار ساخته و شرکت های استخدام کننده را در معرض اذیت و آزاری اداره دیفکتو قرار میدهد. واقعیت این امر را میتوان در آخرین گزارشهای دریافت که نشان میدهند وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر اداره دیفکتو آنعده از دفاتری را مسدود کرده است که به گفته آنها فرمان منع کار زنان در سازمان های غیردولتی (انجوها) و قواعد تفکیک شعبات برای زنان و مردان نقض کرده اند.^{۱۶}

اکثر پاسخ دهندگان خاطر نشان نمودند که در بسا موارد مشاهده شده که در انتخاب زنان برای وظایف، عمدتاً افرادی ترجیح داده می شوند که به نحوی با مقامات اداره دیفکتو یا مسوولان شرکت ها ارتباط دارند. شماری زیادی از مردانی که با آنها مشوره صورت گرفته، نیز از این پدیده یادآوری نموده و میگویند که ارتباط با مقامات اداره دیفکتو به یکی از پیش شرط های استخدام در سکتور عامه مبدل گردیده و در مصاحبه های استخدام این اصل مدنظر گرفته می شود که آیا متقاضی در دوران جمهوریت از طالبان حمایت می نمود، یا خیر.

طبق اظهارات پاسخ دهندگان، کاهش و نابرابری سیستماتیک معاشات، که در این اواخر به تصویب رسیده است، میزان درآمد زنان در سکتور عامه افغانستان را محدود ساخته است. پاسخ دهندگان اظهار داشتند که معاشات زنان، به خصوص در سکتور های معارف، صحت و خدمات عامه، به حدی کاهش یافته است که "مخارج یومیه آنها را تکافو نمی کند". فرمان ماه جون ۲۰۲۴ اداره دیفکتو مبنی بر یکسان سازی معاشات ماهوار که براساس آن برای کارکنان زن در سکتور عامه که در حال حاضر «به وظایف خود طور روزمره حاضر نمیباشند»^{۱۷} مبلغ ۵۰۰۰ افغانی (معادل تقریباً ۷۰ دلار امریکایی) معاش ماهانه را تعیین کردند، باعث کاهش و عدم پرداخت معاشات شماری زیادی کارکنان زن در خدمات ملکی شده است.^{۱۸} این اقدام سبب گردیده تا آنعده زنانی که در وظایف باقیمانده در سکتور عامه کار میکنند به آسیب های مالی و فشار های روانی مواجه گردند و احتمال گسترش همچو اقدام به سکتور خصوصی که اکثریت زنان افغان در آن کار می کنند را میسر سازد.

همچنان، مردانی پاسخ دهنده اظهار نمودند که در تأمین هزینه های روزمره با مشکلاتی روبرو بوده که نمایانگر چالش های اقتصادی نزد اکثریت قاطع افغانها میباشد. بحران اقتصادی باعث وخامت بیشتر شرایط اشتغال و عدم اشتغال گردیده طوریکه از استقامت مالی نزد زنان و مردان پاسخ دهنده شدیداً کاسته است. براساس اظهارات پاسخ دهندگان، تأثیرات سو بحران اقتصادی را بیشتر جوانان بر دوش می کشند.

علی الرغم آن، مردان در مقایسه با زنان به اشتغال دسترسی بیشتر دارند. در میان پاسخ دهندگانی که در این دور مشوره ها اشتراک کرده بودند، مشاهده می شود که زنان در مقایسه با مردان بیشتر (۴۹ درصد) به صورت رسمی یا به صورت غیررسمی و یا هم بدون آنکه

Ibid ۱۵

۱۶ هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA). سال ۲۰۲۴. "معلومات تازه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان: اپریل - جون ۲۰۲۴" (Update on the human rights situation in Afghanistan: April – June 2024).

۱۷ در ۷ جولای ۲۰۲۴، وزارت اقتصاد طی یک مکتوب رسمی توضیح داد که فرمان جون در مورد زنان کارمند دولتی (که روزانه در محل کار حاضر نمی شوند یا وظایف خود را مطابق لایحه وظایف خود انجام نمی دهند) اعمال می شود و شامل زنانی نمیشود که به کار میروند و وظایف خود را مطابق با شرح وظایف خود انجام می دهند.

۱۸ در این راستا اندکی سردرگمی به چشم می خورد، زیرا رهبران مقامات بالفعل در مورد اینکه آیا پالیسی مذکور بالای تمام کارمندان انان اعمال می شود یا صرف بالای آنعده زنانی که از آنها خواسته می شود در خانه بمانند، هیچگونه هدایات مشخص ارائه نکرده اند، و این امر باعث شده تا وزارت های ذیربط مقامات بالفعل در مورد کاهش یا تعلیق معاشات زنان مرتکب اشتباهات شوند.

درآمد ثابت^{۱۹} داشته باشند، از خانه کار می‌کنند و یا بیکار هستند، که این رقم در میان مردان پاسخ دهنده به (۳۹ درصد) می‌رسد.^{۲۰} زنان پاسخ دهنده می‌گویند که به نظر آنها نگرش‌های جامعه نسبت به زنانی که در بیرون از منزل کار می‌کنند، از زمان به قدرت رسیدن نظامی طالبان بدینسو کمتر مورد حمایت جامعه است.^{۲۱} به باوری تعدادی از پاسخ دهندگان کار کردن زنان در بیرون از منزل تابو دانسته شده و زنان شاغل را به دیده اشخاص نامطلوب یا افرادی که به خانواده‌های شان بدنامی به ارمغان می‌آورند، نگرسته می‌شود.

هرچند، برای زنان در سکتور خصوصی از طریق کاروبار خانوادگی فرصت‌های کاری وجود دارد، اما آنها تاکید مینمایند که محدودیت‌های مالی و عدم دسترسی به سرمایه اولیه، توانایی راه اندازی کاروبار آنها را به مخاطره انداخته است. مردان و هم‌زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته، از همچو محدودیت‌های مالی حرف زده و از تشدید الزامات، به شمول پرداخت مالیات و هزینه‌های اداری یادآوری نمودند. آن‌عده زنانی که به فعالیت‌های اقتصادی دست می‌زنند، از لحاظ دسترسی به بازارها با موانع متعدد روبرو اند و عمدتاً برای اینکه در فعالیت‌های اقتصادی بیرونی مشارکت داشته باشند، به محرم نیاز دارند.^{۲۲} عده کثیری از زنانی، گفتند که آنها خواهان برنامه‌های آموزشی حرفوی، مساعدت‌های مالی و تغییر در پالیسی اداره دیفکتو می‌باشند، تا از فرصت‌های موجود استفاده اعظمی کرده بتوانند.

شماری از زنان از دسترسی به درآمد‌های آنلاین یادآوری نمودند. هرچند با در نظر داشت موانع دسترسی (زنان) به انترنت، اکثریت اشتراک‌کنندگان به آن دسترسی قابل ملاحظه نداشتند. همچنان، مردان پاسخ دهنده بر نیاز حمایت از دهاقین از طریق ابتکاراتی که باید توسط اداره دیفکتو و مؤسسات غیردولتی روی دست گرفته شوند، تاکید ورزیدند. باوجودیکه زنان قادر به دستیابی به فرصت‌های کار از خانه به صورت آنلاین یا از طریق کاروبار خانوادگی شده اند، تعدادی از آنها گفتند که این کار را توام با ترس و تحت تهدید مداوم پالیسی‌ها و اقدامات جدیدی که می‌تواند فرصت‌های آنها را با محدودیت‌های بیشتر روبرو سازد، انجام می‌دهند.

دسترسی به عدالت

”یک زن به یکی از شورا‌های محل معرفی گردیده بود، ولی آنها وی را با الفاظ رکیک تحقیر کردند. زنان باید برقع/چادری بپوشند و در جلسات شورا در گوشه اتاق بنشینند و جز بلی یا نخیر گفتن اجازه حرف زدن ندارند“

یافته‌های مشوره‌ها حاکی از آن است که دسترسی زنان به خدمات حقوقی و حل منازعات در افغانستان شدیداً متأثر شده است. قبل از به قدرت رسیدن طالبان، زنان نقش‌های مهمی در نظام قضایی به عنوان وکلای مدافع، قاضیان و ژانوالان ایفا می‌کردند و از سوی یک ساختار قانونی سراسری که برای محو خشونت علیه زنان اختصاص یافته بود، حمایت می‌شدند.^{۲۳} حذف روزافزون زنان از سیستم عدلی و قضایی افغانستان، از جریان این مشوره‌ها که در آن از حذف سیستماتیک شان از پروسه رسمی و غیررسمی حل منازعات یادآوری نمودند، به خوبی دانسته می‌شود.

از میان زنانی که با آنها مشوره صورت گرفت، حدود ۷۹ درصد آنها گفتند که در جریان یک سال قبل از هیچ نهاد رسمی حل منازعات استفاده نکرده‌اند.^{۲۴} در حالیکه ۲۵ درصد زنان خواهان استفاده از همچو نهادها بودند ولی بنابر عدم دسترسی به این نهادها، نتوانستند به خدمات حقوقی آن درست یابند. تعداد زیادی از زنان پاسخ دهنده اظهار کردند که آنها اجازه ندارند تا بدون محرم به محاکم یا دفاتر

۱۹ زنان در مقایسه با مردان بیشتر از خانه کار می‌کنند، کار رسمی (۱۰ درصد)، کار غیررسمی (۱۰ درصد) و کار بدون دستمزد (۸ درصد)، که این ارقام بالترتیب در میان مردان (۰ درصد، ۲ درصد و ۲ درصد) می‌باشد. تقریباً ۵ درصد زنان به کار غیررسمی خارج از منزل مشغول اند، که این رقم در میان مردان به ۱۸ درصد می‌رسد. افزون بر آن، زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، در مقایسه با مردان کمتر (۳۰ درصد) به کار رسمی خارج از منزل مشغول اند، که این رقم در میان مردان به (۴۱ درصد) می‌رسد.

۲۰ آمار مذکور توسط اطلاعات/دیتای جمع آوری شده در مورد شاخص جندر/جنسیت دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (آینده) در ماه مارچ ۲۰۲۴ در افغانستان، تقویت یافته است، که نشان دهنده این است که ۲۴،۱۵ درصد زنان افغان، در مقایسه با ۸۸،۹۲ درصد مردان افغان در نیروی کار مشارکت دارند.

۲۱ حدود ۷۶ درصد زنان خاطر نشان نموده اند که به نظر آنها در حال حاضر کار کردن زنان در خارج از منزل نسبت به دوره قبل از به قدرت رسیدن طالبان، کمتر پذیرفته می‌شود، که این رقم در میان مردان به ۱۹ درصد می‌رسد.

۲۲ لطفاً جهت دریافت معلومات مزید پیرامون چالش‌ها و فرصت‌های که در حال حاضر متشبهین زن در افغانستان با آن روبرو اند، به برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP) مراجعه نمایید. سال ۲۰۲۴. "گوش دادن به حرف‌ها و دیدگاه‌های متشبهین زن در افغانستان: مبارزه و استقامت آنان" (*Listening to women: entrepreneurs in Afghanistan: their struggle and resilience*).

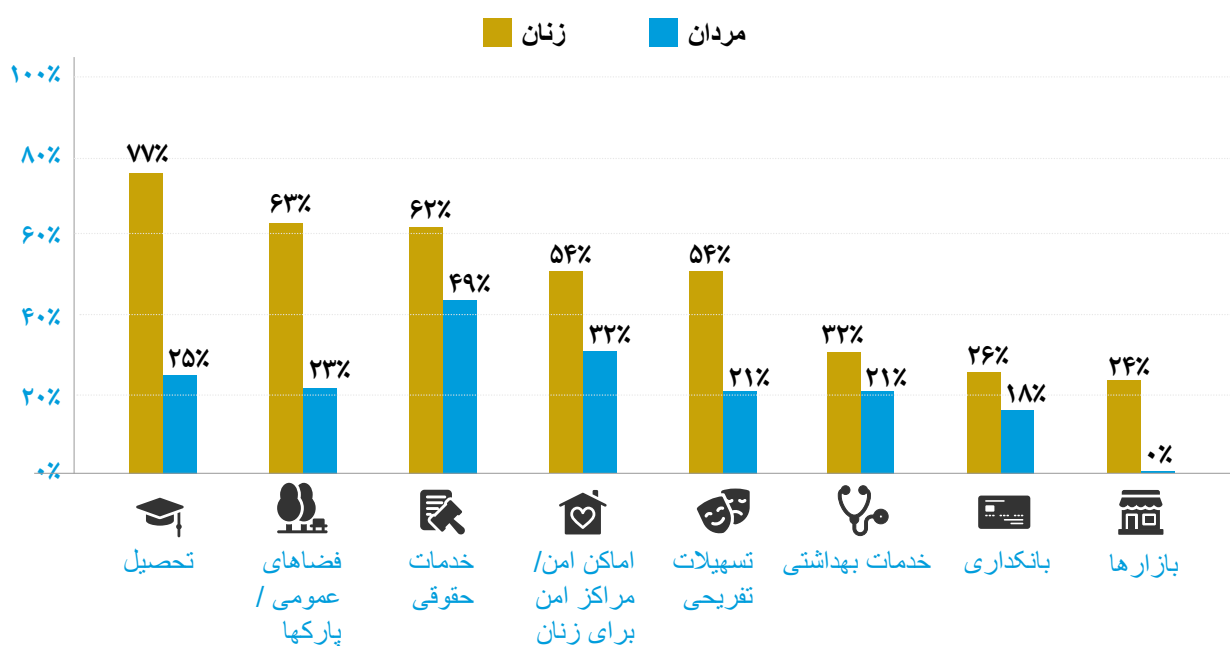
۲۳ گیه‌رنگ، ام. سال ۲۰۲۲. "تحولات و پیامدهای ناگوار سیستم عدلی و قضایی بالای برابری جنسیتی و حقوق زنان در افغانستان" (*Legal and justice system changes and implications for gender equality and women's rights in Afghanistan*). دفتر امور زنان سازمان ملل متحد.

۲۴ از میان زنانی که با آنها مشوره صورت گرفته است، صرف ۵ درصد آنها "یک مرتبه" و پنج درصد دیگر آنها "بیشتر از یک مرتبه" (در جریان دوره یک ساله قبل از مشوره) از آن استفاده به عمل آورده اند. افزون بر آن، حدود ۶۲ درصد زنان گزارش داده اند که آنها از زمان به قدرت رسیدن نظامی طالبان بدینسو، به خدمات حقوقی دسترسی کمتر داشته اند.

رسمی که به امور حقوقی رسیدگی می کنند، مراجعه نمایند. پاسخ دهندگان از حالاتی صحبت کردند که درخواستی زنان برای دسترسی به خدمات حقوقی پذیرفته شده بود، ولی دوسیه های آنان اکثراً به دلیل تبعیض جنسیتی بسته شدند و یا هم نادیده گرفته شدند.

مردان در مقایسه با زنان به گونه قابل ملاحظه به نهاد های رسمی و غیررسمی حل منازعات دسترسی داشتند (در رابطه با دور یک سال قبلی، از میان مردانی که با آنها مشوره صورت گرفت ، حدود ۱۵ و ۳۱ درصد آنها گفتند که بالترتیب یک مرتبه و یا بیشتر از یک مرتبه از خدمات نهاد رسمی حل منازعات استفاده کرده اند. ۱۷ و ۲۸ درصد آنها گفتند که بالترتیب یک مرتبه و یا بیشتر از یک مرتبه از خدمات نهاد غیررسمی استفاده نموده اند). علی الرغم آن، مردان نیز از عدم دسترسی کافی به مراجع یاد شده در صورت نیاز یادآوری نمودند^{۲۵}. از طرف دیگر، تعداد زیادی از مردانی که با آنها مشوره صورت گرفت ، از ماهیت خودسرانه و غیرقابل اعتماد تصمیم در مراجع قضایی رسمی نیز یادآوری نمودند، که عمدتاً از تعطیل خودسرانه محاکم گرفته تا مداخلات سیاسی که منتج به لغو فیصله ها می شد، را احتوا می نماید.

آیا از زمان تسلط طالبان، به خدمات (بنیادی) دسترسی کمتر یا هیچ دسترسی ندارید؟



از هم پاشیدن خدمات حقوقی و اجتماعی که در گذشته به خشونت های خانوادگی و منازعات حقوقی مختلف این گروه جمعیتی رسیدگی می نمود، زنان را در و فقدان سیستم حمایت رسمی و با دسترسی محدود به خانه های امن که توسط اداره دیفکتو مسدود شده اند، قرار داده است. حدود ۵۴ درصد زنان پاسخ دهنده خاطر نشان نمودند که دسترسی آنها به اماکن و خانه های امن زنان به گونه قابل ملاحظه کاهش یافته است و یا هم فاقد هرگونه دسترسی به آن می باشند. شماری از زنان اظهار داشتند که در یک تعداد حالات، مثلاً وقتی می خواستند از شوهران شان طلاق بگیرند، به آنها اجازه داده نشده تا بدون رضایت شوهران شان در پروسه طی مراحل دوسیه خود اشتراک ورزند و یا آنها مکلف بودند که برای پیشبرد دوسیه شان پول هنگفت بپردازند. عده دیگری از آنها تذکر دادند که ترس از عکس العمل و بدنامی احتمالی آنها در محل زندگی باعث شد تا با موانع بیشتری در دسترسی به عدالت روبرو شوند. سنت ها و نورم های مردسالارانه عواملی اند که دیدگاه منفی را نسبت به زنانی ایجاد میکند که برای دفاع از حقوق شان اقدام میکنند. نورم های مذکور اینگونه زنان را به عنوان تهدیدی برای نظم تلقی کرده و آنان را از دسترسی به عدالت باز میدارند.

در افغانستان، زنان به نهاد های غیررسمی حل منازعات مانند شورا ها دسترسی محدود دارند. تعداد اندک از زنان پاسخ دهنده طی سال گذشته به نهاد های غیررسمی حل منازعات مراجعه کرده اند،^{۲۶} هرچند آنها ترجیح می دادند که نسبت به نهاد های رسمی از نهاد های

^{۲۵} حدود ۲۶ درصد مردان خاطر نشان نموده اند که در جریان سال گذشته خواهان استفاده از نهاد های رسمی حل منازعات بوده اند، اما متأسفانه آنها قابل دسترسی نبوده اند، که این رقم در مورد نهاد های غیررسمی حل منازعات به ۲۲ درصد می رسد.

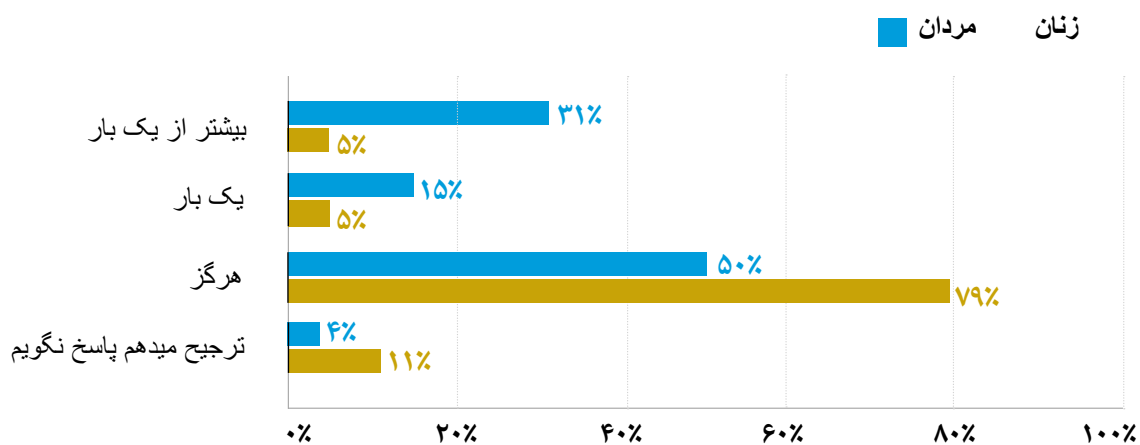
^{۲۶} زنان در مورد استفاده از نهاد های غیررسمی حل منازعات (مانند میکانیزم های حل منازعات که توسط جامعه رهبری می شوند و شورا ها) در دوره یک ساله قبل از مشوره، اینگونه پاسخ داده اند: "هیچگاه استفاده نکرده اند" (۷۳ درصد)، "یک مرتبه استفاده نموده اند" (۱۱ درصد)، "بیشتر از یک مرتبه استفاده نموده اند" (۱۰ درصد)، «ترجیحاً تذکر نداده اند» (۶ درصد).

غیررسمی استفاده نمایند. شماری زیادی از زنانی که با آنها مشوره صورت گرفت، اظهار نمودند که از روی نورم های فرهنگی، تبعیض جنسیتی و محدودیت های اعمال شده توسط اداره دیفکتو، از دسترسی به نهاد های تصمیم گیرنده محلی محروم ساخته شدند. زنان عمدتاً به منظور رسیدگی به حل منازعات به عوض نهاد های رسمی به رهبران و بزرگان محل مراجعه می کنند. اما، تحلیل ها حاکی از آن است که همچو نهاد ها بیشتر انسجام اجتماعی را نسبت به هرگونه ملاحظات دیگر در اولویت قرار داده و و با پیامد های زیانبار برای زنان عارض، به نفع مردان فیصله می کنند.

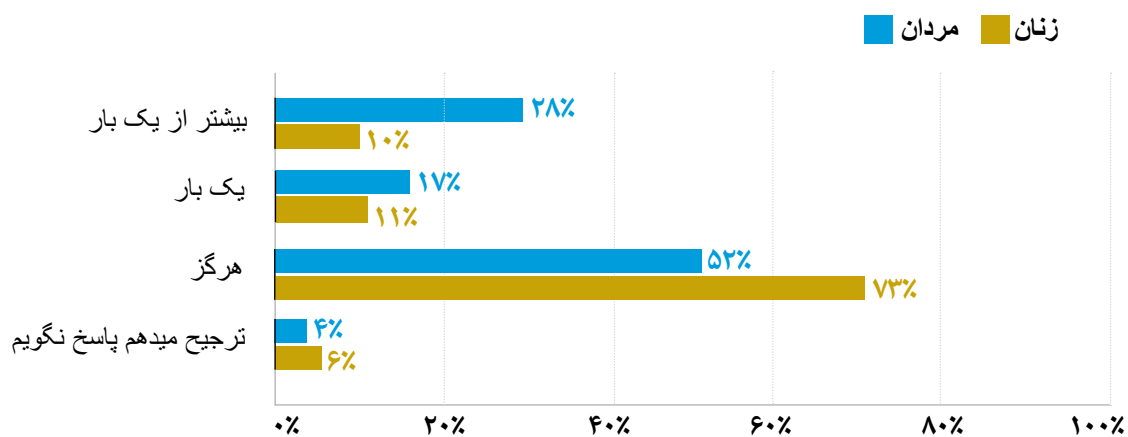
چند تن از زنانی پاسخ دهنده گفتند که آنها از همچو نهاد ها کمک مطالبه نمودند، ولی با تحقیر روبرو شده او درخواست آنان نادیده گرفته شد^{۳۷}. پیامد های تصمیم گیری در همچو مراجع غالباً به اثر حضور نمایندگان اداره دیفکتو و یا رهبران یا بزرگان محل، و بدون حضور زنان، در همچو شوراها متأثر گردیده و در نتیجه حق برخورد عادلانه با زنان را به خطر مواجه میسازد.

تعدادی مردانی پاسخ دهنده بعید میدانند که که سیستم عدالت غیررسمی بتواند تصامیم عادلانه و قابل تطبیق را فراهم سازد. این وضعیت باعث شده است تا زنان احساس ناگزیری نموده و جهت رسیدگی قانونی به منازعات شان بر اقارب ذکور یا رهبرانی محلی اتکا نمایند که احتمالاً از روی عمد و یا تحت فشار نورم های حاکم در محل، خلاف منافع زنان عارض تصمیم اتخاذ خواهند کرد.

در سال گذشته چند بار به نهادهای رسمی حل و فصل اختلافات (مانند دادگاه ها) مراجعه کرده‌اید؟



آیا در سال گذشته از نهادهای غیررسمی حل و فصل اختلافات (مانند فیصله های مردمی، شوراها) استفاده کرده‌اید؟



۳۷ در این رابطه اکیداً به زنان گفته شده است که نباید همچو نگرانی ها را ابراز نمایند و برعکس باید به خانه های شان برگردند و از شوهران شان اطاعت نمایند.

زنان و مردان پاسخ دهنده، از اداره دیفکتو می خواهند تا:

محدودیت ها روی تحصیل دختران را رفع نمایند:

- مکاتب دختران را فوراً و در تمام سطوح بگشایند، و از دسترسی آنها به آموزش باکیفیت در یک فضای مصون و مورد حمایت اطمینان حاصل نمایند.
- به معیارات بین‌المللی حقوق بشر، بشمول معیارات مربوط به حقوق زنان و دختران، و سایر معیاراتی که افغانستان عضو آن بوده، و به عنوان یک قدم ضروری در مسیر به رسمیت شناخته شدن و دستیابی به حمایت بین‌المللی است، ارج بگذارند.

موانع فرا راه توانمندسازی اقتصادی زنان را از میان بردارند:

- پالیسی های اقتصادی که حامی مشارکت برابر زنان در نیروی کار باشند را روی دست گیرند، که این اقدامات شامل حصول اطمینان از پرداخت دستمزد برابر و دسترسی برابر به نقش های رهبری، اتخاذ اقدامات و ترتیب معاشات که عاری از هرگونه تبعیض جنسیتی باشد و مشارکت اساسی زنان در اقتصاد و جامعه افغانستان را به رسمیت بشناسد.
- الزام داشتن محرم را از میان بردارند، تا زنان بتوانند طور آزادانه در فعالیت های تولیدی اشتراک کنند، به خدمات عامه مانند مراقبت های صحت و همچنان به فرصت های تفریحی دسترسی داشته باشند.
- موانعی که در برابر آینده از مؤسسات غیردولتی که توسط زنان رهبری می شوند و همچنان در برابر سکتور خصوصی قراردارند، را از میان بردارند، و پروسه دریافت جواز کاری را ساده تر سازند. پالیسی جاگزین ساختن مردان بعوض زنان در هیئت مدیره مؤسسات غیردولتی و شرکت ها، لغو گردد و به زنان اجازه دهند تا بدون هرگونه تبعیض به پست های رهبری در مؤسسات غیردولتی و سکتور خصوصی راه یابند.

دسترسی زنان به خدمات، عدالت و اماکن عامه تضمین گردد:

- حمایت های حقوقی برای زنان ایجاد گردد تا زنان در سطوح محل، ولایات، و ملی به عدالت و فیصله عادلانه دسترسی برابر داشته باشند.
- دسترسی زنان به اماکن عامه، مانند پارک ها، سالون های ورزشی، مراکز صحت و بازار ها تضمین گردد و حق آزادی گشت و گذار و فعالیت های تفریحی تامین گردد.
- از دسترسی زنان به خدمات اساسی مراقبت های صحت، بشمول صحت مادر و صحت باروری، اطمینان حاصل نمایند. برای تأمین دسترسی به این خدمات، کارکنان صحت زن باید اجازه فعالیت در مراکز صحت را داشته باشند و زنان اجازه داشته باشند تا به مراکز صحتی طور کامل و آزادانه مراجعه نمایند.
- با درک ضرورتی مشارکت معنادار زنان افغان به عنوان بازیگران اساسی در آبادی افغانستان باثبات و مرفه، مشارکت زنان را در پروسه های تصمیم گیری در تمام سطوح دولت و جامعه ترغیب نمایند.

زنان و مردان پاسخ دهنده، از جامعه جهانی می خواهند تا:

برای تحقق حقوق زنان افغان به تلاش های دادخواهی خود بیفزایند:

- به منظور ترغیب مقامات ادارهٔ دیفکتو به رعایت معیارات بین‌المللی حقوق بشر، خصوصاً حق آموزش، کار، و آزادی گشت و گذار زنان، تلاش‌های دیپلماتیک را در سطوح بالا تجدید نمایند.
- افزایش منابع لازم برای نظارت، مستندسازی و فعالیت‌های گزارش‌دهی مواردی نقض حقوق بشری که همه‌روزه در کشور اتفاق می‌افتند، و زنان و دختران را طور اخص متأثر می‌سازد، ثبت گردد. جامعه جهانی همچنان یقینی سازد که تطبیق نظارت به منظور آگاهی‌کنشگران داخلی و بین‌المللی و افزایش فشار روی اداره دیفکتو صورت می‌گیرد تا از وقوع دوباره چنین تخلفات جلوگیری شده باشد.
- جامعه جهانی اداره دیفکتو را **ترغیب نمایند تا طور مستقیم با گروه‌ها و رهبران زنان وارد گفت‌وگو شوند**، تا نیازهای زنان را به درستی درک و به آنها رسیدگی لازم نمایند و یا ترجیحاً یک کانال و میکانیزم رسمی گفت‌وگو مستقیم با زنان افغان ایجاد گردد.

افزایش یا قرار دادن کمک‌های مالی در مسیر حمایت برنامه‌های که بتواند اثرات ناشی از محدودیت‌ها در برابر زنان و دختران را محدود سازد:

- از طریق ارایه حمایت مالی و تخنیک‌های مستقیم به انجوها و تجارت‌های که از توسط زنان رهبری میشوند، ارایه مساعدت مالی، قرضه‌ها و تدویر برنامه‌های ارتقای ظرفیت؛ انجوه‌های داخلی که تحت شرایط دشوار به زنان و دختران در افغانستان خدمات عرضه کرده و برای حقوق‌شان دادخواهی میکنند، توسط جامعه جهانی تقویت و حمایت گردند.
- ابتکارات آموزش بدیل و آنلاین را برای دختران و زنان افغان ایجاد و **تمویل نمایند**، تا از ادامه تحصیل آنها با وجود محدودیت‌های وضع شده توسط اداره دیفکتو، اطمینان حاصل شود.
- برنامه‌های **صحت روانی برای زنان و دخترانیتدویر و حمایت قرار گیرد** که از پیامد‌های ناگوار وضع محدودیت بر آزادی و حقوق‌شان، تجرید از اجتماع و مشکلات اقتصادی متأثر گردیده‌اند.
- برای **آنچه زنانی که در افغانستان با تبعیض و خشونت مواجه‌اند، مساعدت‌های حقوقی و خدمات دادخواهی لازم را فراهم سازند**، تا به عدالت، حتی اگر مرجع غیررسمی هم باشد، دسترسی داشته باشند.
- برنامه‌های آموزشی حرفوی و تجارت‌های کوچک برای زنان افغان را **تمویل نمایند** تا باوجود محدودیت‌ها در کاریابی، زنان بتوانند به خودکفایی مالی دستیابند..
- ایجاد برنامه‌های که به زنان و خانواده‌های افغان کمک کند تا **طور مصئون به کشور‌های مهاجرت کنند** که در آن آزادانه به فرصت‌های آموزشی و شغلی دسترسی داشته‌توانند.

ضمیمه ۱ روش تحقیق

الی جولای سال ۲۰۲۴، مجموعاً ۷۷۶ زن از ۳۴ ولایت کشور در بحث های مشورتی اشتراک کردند طوری که ۶۵۳ تن، طور گروهی و ۱۲۳ تن آن از طریق مصاحبه های انفرادی نظریات خود را درین بحث ها شریک ساختند^{۲۸}. علاوه برآن، طی بحث های جداگانه با مردان و بمنظور مطالعه مقایسوی، ۵۵ مرد طی اشتراک گروهی و دو تن دیگر از طریق مصاحبه های انفرادی، به پرسش ها پاسخ دادند. از پاسخ دهندگان حداکثر ۱۰ پرسش چند جوابه و حداکثر ۲۰ پرسش باز پرسیده شده، که هدف عمده آن شناسایی برداشت های آنان بوده است.

سروری برداشت ها

سروری برداشت ها، عمدتاً شامل گردآوری نظریات، نگرش ها، عقاید و تجارب پاسخ دهندگان راجع به مسائلی است که زندگی آنها را متأثر می سازند. این روش بمنظور درک و مطالعه مسائل غیرملموس یا حساس، که در غیر صورت دانستن آن از لحاظ کمی دشوار است، نیز مورد استفاده قرار گرفته است. دیتای جمع آوری شده از طریق این سروری، در پُر نمودن خلا های معلوماتی، خصوصاً در شرایط افغانستان که در آن دسترسی به اطلاعات دشوار است، ممد واقع شده، و برای جمع آوری دیدگاه ها و تصدیق سایر منابع معلوماتی، آزمایش فرضیه های پالیسی، نظارت از روابط بین دولت و اجتماع و اولویت دادن به دیدگاه های شهروندان، به عنوان روش بدیل عمل میکند.

نمونه برداری

پاسخ دهندگان با استفاده از روش «هدفمندانه» انتخاب شده اند، تا از یکسو خطرات امنیتی نزد اشتراک کنندگان کاهش یافته باشد و از طرف دیگر، بحث آزاد روی مسائل حساس ترویج گردیده باشد. کاربرد محتاطانه این ستراتیژی ارتباطات یقینی میسازد تا مشاوره ها و مصاحبه های گروهی با افرادی صورت گیرد که نظریات مرتبط را ارایه کرده میتوانند و اصل صلاحدید و جلوگیری از احتمال رویارویی اشتراک کنندگان با خطرات متصور و یا حقیقی حین اشتراک در پروسه گفتمان را در نظر گرفته بتوانند..

هدفمندانه

زنان با در نظر داشت دقت به مسایل امنیتی و رضایت برای ارایه آزادانه تجارب شان بشمول تمایل به ارایه نظریات پیرامون پیامد های پالیسی های طالبان بالای زندگی آنان، انتخاب شده اند. بر اساس این روش اشتراک کنندگان می توانند دیدگاه های شان را طور مصون بیان نمایند.

سنوبالینگ (روش گلوله برفی)

با استفاده از شبکه های مرتبط با نهاد های سازمان بینالمللی مهاجرت (IOM)، هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و دفتر امور زنان سازمان ملل متحد (UN Women)، اشتراک کنندگان از طریق رجعت و ارتباط مستقیم انتخاب میگردند. استفاده از این رویکرد، در واقع معروض شدن اشتراک کنندگان به خطرات احتمالی را کاهش می دهد. چنانچه به اشتراک کنندگان مورد اعتماد فرصت می دهد تا افراد دیگر را پیشنهاد نماید و در نتیجه یک زنجیره معتبر معرفی اشتراک کنندگان جدید شکل گیرد.

۲۸ تفکیک اشتراک کنندگان به اساس ولایات قرار ذیل است: بدخشان ۳۹، بادغیس ۳۷، بغلان ۱۷، بلخ ۴۶، بامیان ۴۴، دایکندی ۱۴، فراه ۱۳، فاریاب ۴۳، غزنی ۲۰، غور ۱۴، هلمند ۳۰، هرات ۷۳، جوزجان ۳۰، کابل ۷۰، قندهار ۲۶، کاپیسا ۳، خوست ۱۱، کنر ۲۲، کندز ۲۲، لغمان ۲۵، لوگر ۲، میدان وردک ۵، ننگرهار ۳۰، نیمروز ۲۹، نورستان ۲۰، پکتیکا ۱۱، پکتیا ۱۲، پنجشیر ۳، پروان ۳، سمنگان ۲۵، سرپل ۲۹، تخار ۲، ارزگان ۵ و زابل ۱.

داده های مشوره با زنان و مردان براساس «گرایش های شاخص» مورد ارزیابی قرار میگیرد طوریکه تحولاتی را که پاسخ دهندگان با گذشت زمان تجربه کرده اند، مشخص کردند. چون در هر دور بحث های مشورتی، ترکیب گروه نمونه دستخوش تغییر میشود، بناً تحولات در گرایش های یک گروه نمونه، به سطح آن گروه مشاهده میشود- نه به سطح افراد. گروه نمونه شامل افرادی است که دارای مشخصات مشابه هویتی^{۴۹} اند، و تقریباً ۳۰ درصد آنها حداقل در یک دوره قبلی مشاوره اشتراک کرده باشند. گرایش های بدست آمده از دوره های مختلف می تواند به تحولات گسترده تر در نگرش، رفتار یا شرایط دلالت نماید. یافته های دوره های قبلی، در جریان مشاوره های بعدی مورد بازنگری قرار می گیرند، تا روند مشاهده و بررسی تحولاتی که با گذشت زمان رونما گردیده اند، تایید گردد.

ضمیمه ۲

پاسخ های اداره حاکم به مشورت های نهاد برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان سازمان ملل متحد، هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان و سازمان بین المللی مهاجرت با زنان، جولای ۲۰۲۴

به عنوان بخشی از تعامل، از طالبان (اداره دیفکتو) دعوت شد تا در مورد این گزارش اظهار نظر نمایند. در زیر پاسخ دریافت شده از وزارت امور خارجه در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۲۴ به زبان پشتو آمده است. پاسخ به زبان پشتو دریافت شد و کلمه به کلمه به انگلیسی و دری ترجمه شد. در صورت وجود مغایرت، باید به نسخه پشتو پاسخ اعتماد کرد. گزارش مشورتی پس از دریافت نظرات طالبان (اداره دیفکتو) برای حفظ صداقت صدای زنان افغان در سراسر کشور که نظرات خود را با سازمان زنان ملل متحد، IOM و یوناما در میان گذاشتند، تغییر نکرد. یکی از درخواست های همیشگی زنان افغان که در پروسه مشاوره مشارکت دارند این است که سازمان ملل پیام های آنها را به طالبان (اداره دیفکتو) منتقل کند. اشتراک گذاری یک نسخه از گزارش مشاوره سه ماهه یکی از راه های اشتراک گذاری مستقیم دیدگاه ها و توصیه های زنان افغان با طالبان (اداره دیفکتو) است.

امارت اسلامی و وزارت امور خارجه افغانستان نگرانی ها و پاسخ های خود را در مورد تازه ترین گزارش مشورتی قرار ذیل ارائه میکند:

الف: روش

روشی که برای مشورت با زنان افغان استفاده شده است ناقص است. در نتیجه، متهم کردن امارت اسلامی بر اساس این رویکرد غیرمنطقی است. نظریات تنها ۷۷۶ نفر زن پاسخ دهنده که انتظار می رود نمایندگی از همه زنان کشور که نیمی از جمعیت را تشکیل میدهد، اتهامات بی اساس علیه میلیون ها زن را توجیه کرده نمیتواند.

پخش و نشر چنین اتهامات که در خلاصه گزارش آمده است و صرفاً بر اساس یک سروی از راه دور انجام شده است، اعتبار و حیثیت سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی را تضعیف میکند. اینگونه اقدامات و گزارش ها درد و رنج زنان افغانستان را تسکین نخواهد بخشید.

ب. دسترسی به مکان های عامه

زنان آزادی رفت و آمد در سراسر کشور را دارند. سازمان های بین المللی مشاهده کرده اند که زنان افغان میتوانند از خانه های شان بیرون بروند، از اقارب شان هر زمانی بازدید کنند، و از طبیعت بطور آزادانه لذت ببرند.

ج. برخورد جامعه در برابر تعلیم و آموزش دختران

دختران به تعلیم و آموزش الی صنف ششم در مکاتب و همچنین فرصت ها برای تحصیلات عالی در مدارس دینی و انستیتوت های طبی دارند. برعلاوه، صد ها هزار دختر و زن در بخش های چون خیاطی، قالبین بافی و سایر سکتور های معیشتی آموزش های حرفه ای را فرا میگیرند.

د. فعالیت های درآمد زا و فعالیت در سکتور خصوصی

بیش از ۸۰۰۰ زن در سراسر کشور در سال گذشته جواز ادامه کسب و کار را دریافت کرده اند. اطاق تجارت و صنایع افغانستان (ACCI) از مشارکت زنان در رشد اقتصادی کشور حمایت میکند. برعلاوه، همانطور که آگاهی دارید، توجه خاصی به اشتراک شرکت های کوچک و متوسط به رهبری زنان در نمایشگاه های مختلف جهت به نمایش گذاشتن محصولات شان برای بازاریابی مبذول گردیده است.

ر. دسترسی به نهاد های عدلی و قضایی

زنان دسترسی کامل به نهاد های عدلی و قضایی در سراسر کشور دارند و هزاران زن برای پیگیری قضایای شان به این نهاد ها مراجعه میکنند. برعلاوه تهیه محابس برای زندانیان مرد، محابس و خانه های امن مجهز برای زنان و دخترانی که با چالش های اجتماعی روبرو هستند همراه با امکانات برای اطفال شان در همه ولایات مدنظر گرفته شده است. در نتیجه، همه زندانیان زن و اطفال شان در داخل محبس احساس امنیت میکنند.